



تتمه بررسی دیدگاه شیخ فضل الله نوری در باب نهاد قانون گذاری

در ادامه بررسی مواضع عالم نامدار شیخ فضل الله نوری در باب نهاد قانون گذاری به برخی نکات و ابهامات کلمات ایشان می پردازیم که باید با دقت بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

گفتیم ایشان با اصل مشروطه و مجلس - به معنای هیئتی که با مشارکت هم متصدی تصمیم در مورد برخی امورات کشوری شوند - موافق بودند. و اشاره کردیم که مخالفت ایشان با مشروطه به خاطر دلائلی بوده که در جلسه قبل اجمالاً مطرح گردید. در تایید این مطلب به برخی از سخنانی که در «لوائح» یعنی نشریه ای که به هنگام تحصن حاج شیخ فضل الله و همراهان در عبدالعظیم به عنوان اعلام مواضع منتشر می شد، نیز اشاره می شود.

گفتیم یک جنبه مخالفت به جهت نفوذ برخی منحرفان در مجلس بود. این مطلب در «لوائح» مورد تاکید قرار گرفته. این گروه با حمایت گروه های همفکر در خارج مجلس مطالبات ضد اسلامی داشتند و می خواستند در قالب قانون به آن رسمیت ببخشند.

در ضمن لایحه اول (در صفحه ۲۸ کتاب لوائح) آمده است: «حاجت ما مردم ایران هم به وضع اصول و قوانین در وظایف درباری و معاملات دیوانی انحصار داشت» مجلسی که ما در صدد آن بودیم مجلسی بود که فقط در همین حیطه وضع قانون کند. در جای دیگر (صفحه ۳۱) گفته شده: «تمام مفساد ملکی و مخاطرات دینی از اینجا ظهور کرد که قرار بود مجلس شوری فقط برای کارهای دولتی و دیوانی و درباری که به دلخواه {توسط پادشاه} اداره می شد، قوانینی قرار بدهد که پادشاه و هیئت سلطنت را محدود کند و راه ظلم و تعدی و تطاول را مسدود نماید». در همین جا با اشاره به دو فرقه «بابیه» و «طبیعیه» گفته شده «این اوقات این دو فرقه از سوء القضاء هر دو در مجلس شورای ملی ما مسلمانها وارد و متصرف شده اند و جدا جلوگیری از اسلامیت دار الشورای ایران می کنند و می خواهند مجلس شورای ایران را پارلمنت پاریس بسازند». خلاصه اینکه مجلس در عمل از حد مورد نظر تجاوز کرده و به دنبال تصویب قوانینی است که با اسلام ناسازگار است.

همچنین گفته شد یک جنبه مخالفت هم انحراف های فکری و عملی بود که به نظر شیخ فضل الله همزاد مشروطه در جامعه دیده می شد. گویا مقصودشان این است که برخی از مشروطه خواهان به گونه ای مشروطه را بیان و تبلیغ کرده اند که زمینه ساز فسق و فجور شده و این جریان، در حال منحرف کردن نهضت مشروطه است. در لایحه اول از نشریه لوائح فهرستی از این انحرافات آمده است؛ از جمله: توهین به پیامبر اسلام (ص) و امام زمان (عج)، مسخره کردن مناسک حج،



توهین به علما و بزرگان دین، اشاعه فاحشه خانه ها، ظهور و فعالیت نحله های فکری منحرف (آنارشیسیم، نهلیسم، سوسیالیسم و...) و ...^۱

برخی نقاط ابهام آمیز در مواضع شیخ فضل الله نوری

در هر صورت، نکته اصلی این است که با دقت بیشتر مشخص کنیم ایشان در چه محدوده‌ای قائل به جواز تشکیل نهاد مجلس و وضع قانون (مشروطه مشروعه) بوده و دلیل و مستند ایشان نسبت به تعریف خاصی که از مجلس دارند چیست؟

قبلاً گفته شد از مطالب ایشان، که بخشی از آن را از لوایح نیز نقل کردیم، استفاده می شود وضع قانون منحصر به امور دولتی و دیوانی و درباری است. نقطه ابهام این است که آیا مقصودشان از کارهای دیوانی و درباری تمام کارهای شاه و دربار در آن زمان است؟ شاه و دربار قبل از تشکیل مجلس مثلاً کاری که می کردند این بود که مالیات وضع می کردند، با دولت های خارج قرارداد می بستند، قشون تشکیل می دادند، تصمیم به جنگ یا صلح می گرفتند و...؛ به علاوه برای مناطق مختلف والی قرار می دادند، احیاناً قاضی القضاات نصب می کردند و... البته در آن زمان مثل این زمان فعالیت های حکومتی وسیع و پیچیده نبوده، ولی در عین حال عرصه های وسیعی میدان عمل آنها بوده است.

شبهه اینجاست که چه شاه این قبیل کارها را مستقلاً انجام دهد چه مجلس در مورد آن تصمیم بگیرد نیاز به ولایت شرعی دارد. بدون ولایت و اجازه از ناحیه شارع تصرفات آنها باطل است. این گونه امور، بنا بر مبنای ولایت فقیه، در حوزه اختیارات و مسئولیت های مجتهد جامع الشرایط است. البته جناب نوری، طبق کلامی که قبلاً از ایشان نقل شد، «امور حسبیه» را از دایره اختیارات مجلس بیرون و در حیطه وظایف مجتهد جامع الشرایط دانسته بود، لکن ظاهراً مقصود ایشان از امور حسبی معنای حد اکثری که شامل حکمرانی بشود نیست؛ لذا ایشان با مجلسی که صرفاً در امور دیوانی و دولتی دخالت کند موافق بوده است. بنا بر این اگر مجلس (با تعریف حد اقلی ایشان) بدون اجازه شرعی فعالیت کند مشروع نیست و اگر با اجازه مجتهد جامع الشرایط باشد، آن چنان که برخی علمای طرفدار مشروطه بیان می کردند، در این صورت در حوزه وسیع تری هم (حتی در امور حسبی مورد نظر شیخ فضل الله نوری) با ضوابطی می تواند دخالت داشته باشد. اینکه ایشان فرق گذاشته بین فعالیت حداقلی مجلس و فعالیت فراتر از آن، با اینکه هر دو نیاز به اجازه مجتهد جامع الشرایط دارد ابهام آمیز است.

در لوایح مطلبی آمده است که می تواند توجیه گر موضع مرحوم نوری باشد. در صفحه ۳۳ لوایح عبارتی با این مضمون آمده: «پس حاجت ما مردم ایران به وضع قانون منحصر است در کارهای سلطنتی که بر حسب اتفاقات عالم از رشته شریعتی

^۱. در جایی در لوایح، از بین بردن سلطنت هم یکی از اغراض مشروطه خواهان شمرده شده و مورد مذمت قرار گرفته است.



موضوع { جدا } شده و در اصطلاح فقها دولت جائز و در عرف سیاسیین دولت مستبده گردیده است. این عبارت می تواند تا حدودی ابهام را برطرف کند. از این عبارت استفاده می شود حتی کارهای سلطنتی و دیوانی شرعا در اختیار پادشاه نیست و تصرف او در این امور نیز به عنوان سلطان جائز است و اختیاری در این جهت ندارد جز اینکه عملاً و به زور به دست او افتاده است. در نوشته های برخی از دیگر علمای دوران مشروطه نیز به این وضعیت دوگانه اشاره شده است. یعنی در ابتدا پیامبر ص رئیس دین و دنیای مردم بود، لکن پس از مدت کوتاهی بین این دو منصب فاصله افتاد و امورات دینی دست علما قرار گرفت و حکمرانی و اداره جامعه به دست حکام و پادشاهان جور افتاد.

بنا بر سخن فوق پادشاه و دولت برای کارهای اداری و دیوانی خود نیز مجوزی ندارند و به تبع آن، مجلس هم اجازه دخالت ندارد مگر به اجازه مجتهد جامع الشرایط و چون حکمرانی غیر مجتهد جامع الشرایط خلاف اصل و قاعده است اگر به خاطر برخی ضرورت ها مجبور به پذیرش آن شدیم باید به حداقل اکتفا کرد. به تعبیر دیگر دفع ظلم پادشاه و درباریان که فلسفه نهضت مشروطه بوده با مجلس حداقلی تامین می شود و فراتر از آن مجوز شرعی ندارد.

بر این اساس بین نوری و امثال نائینی در اصل تشکیل مجلس اختلافی نبوده، بلکه اختلاف در مقدار اختیارات مجلس و برخی امور دیگر بوده است. مرحوم شیخ فضل الله از این حالت، ضرورت یک مجلس با اختیارات حداقلی را نتیجه گرفته و بیشتر از آن را مقتضای ضرورت ندانسته است، اما امثال نائینی اختیارات بیشتری قائل بوده است.

در عین حال هر دو باید ساز و کاری را تعریف کنند که مجلس و شاه از طرف مجتهد جامع الشرایط اجازه داشته باشند. چون به نظر هر دو بزرگوار پادشاه و مجلس فی نفسه دارای ولایت نیستند. به نظر می رسد این اجازه در آن زمان لا اقل از سوی برخی مراجع نجف که طرفدار مشروطه بودند حاصل بوده است. با این حال چون نظام مشروطه یک نظام موقت نبوده باید (بنا بر مبنای ولایت فقیه) در قانون اساسی قید می شد مشروعیت مجلس و نظام مشروطه در هر زمان نیازمند اجازه مجتهد جامع الشرایط حی است.